

## بازنمایی هویت ملی ایرانی در بین روشنفکران کرد کرمانشاهی<sup>۱</sup>

\* ناصر پورحسن

E-mail: Na.pourhassan@abru.ac.ir

\*\* روح‌الله باقرآبادی

E-mail: bagherabadi.r@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۳

### چکیده

با توجه به تنوع فرهنگی در ایران و وجود گروه‌های قومی، موضوع هویت ملی که تقویت آن موجب افزایش همبستگی ملی و انسجام اجتماعی می‌شود؛ قابل بررسی است. پرسش این است که «چگونه در کرمانشاه به‌عنوان شهری که بیشترین جمعیت کرد را در میان شهرهای کردنشین ایران دارد، تاکنون جنبش ناسیونالیستی قومی به وقوع نپیوسته است؟ چارچوب نظری مقاله نمادپردازی قومی تاریخی آنتونی دی اسمیت است که قائل به نقش‌آفرینی نخبگان در بازتفسیر و بازکشف نمادهای هویت ملی در قالب تحلیل دراز مدت تاریخی است. روش استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نخبگان کرمانشاهی با نمادسازی عناصر هویت ملی موجب بازسازی هویت ملی در کرمانشاه شده و یکی از دلایل شکل نگرفتن جنبش‌های قومی در کرمانشاه بوده‌اند.

**کلید واژه‌ها:** هویت ملی، نخبگان کرمانشاه، نمادپردازی قومی تاریخی، هویت ایرانی.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آیت‌الله بروجردی با عنوان «نقش نخبگان کرمانشاهی در نمادسازی عناصر هویت ملی» به راهنمایی ناصر پورحسن است.
- \* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه آیت‌الله بروجردی
- \*\* کارشناسی ارشد علوم سیاسی، نویسنده‌ی مسؤل

### بیان مسأله

در میان کشورهای دنیا، کمتر کشوری بافتی همگن دارد و اکثر آنها از هویت‌های مختلفی تشکیل شده‌اند. این مسأله درباره‌ی ایران نیز صادق است؛ زیرا از نظر قدمت تاریخی، جزو دولت‌های کهن محسوب می‌شود. ایران برخلاف برخی کشورها که از جمعیت مهاجر تشکیل شده‌اند، در طول تاریخ به علت گستره‌ی جغرافیایی، از گروه‌های مختلف بومی تشکیل شده است. یکی از گروه‌های تاریخی ایران، گُردها هستند. گُردها که از اصیل‌ترین و قدیمی‌ترین اقوام ایرانی محسوب می‌شوند، در استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام و بخش‌هایی از استان آذربایجان غربی سکونت دارند. در میان این استان‌ها و شهرها، شهر کرمانشاه براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن انجام شده در سال ۱۳۹۵ با یک میلیون و ۸۵ هزار نفر جمعیت بزرگ‌ترین شهر کردنشین ایران است.

حرکت سیاسی گُردها در ایران را می‌توان در سه دوره‌ی تاریخی مطالعه کرد: دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۰)، دوره محمدرضا پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۲۰) و دوره جمهوری اسلامی. قیام اسماعیل آقا شکاک (سیمکو) در دهه نخست ۱۳۰۰ شمسی، تأسیس جمهوری مهاباد (۲۵-۱۳۲۴) و تحولات سیاسی از سال ۱۳۵۸ به بعد مهم‌ترین رویدادهای سیاسی مناطق کردنشین ایران در ادوار مزبور محسوب می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۹: ۹۳). به‌رغم این تحركات، کرمانشاه به‌عنوان پرجمعیت‌ترین استان کردنشین، تاکنون نه‌تنها شاهد شکل‌گیری جنبش‌های ناسیونالیستی قومی نبوده، بلکه در دو دوره از سه دوره مذکور یعنی بحران مهاباد و تحولات سیاسی ۱۳۵۸، ایلات و عشایر کرمانشاهی و گروهی از جوانان انقلابی کرمانشاهی در پایان دادن به مناقشات و درگیری به سود دولت وارد عمل شدند.

عدم شکل‌گیری جریان‌های طالب خودمختاری در استان کرمانشاه و به‌ویژه کلان‌شهر کرمانشاه مسأله علمی این پژوهش است که البته از ابعاد گوناگون قابل تحلیل است. یکی از این ابعاد مسأله‌ی مذهب است که تا پیش از رواج اندیشه‌های مبتنی بر ملت و ناسیونالیسم، از ابعاد عمده‌ی هویت‌های اجتماعی و ملی بود؛ به‌نحوی که «معنای جدید ملت به مفهوم قوم ایرانی و مجموع رعایایی که دارای حقوق سیاسی و اجتماعی و شهروندی هستند، کم‌کم به مفهوم مذهبی ملت اضافه شد و در دوره ناصری رخ نمود» (آجودانی، ۱۳۸۷: ۱۸۹). با توجه به آن‌که از ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه، مردم ۱۰ شهرستان شیعه‌مذهب بوده و شهر کرمانشاه نیز از گذشته به شهری شیعه‌مذهب شهرت

داشته، بررسی نقش مذهب در رویکرد همبستگی جوانه ملی مردم کرمانشاه نیازمند پژوهشی جدی و مستقل است. درعین حال، به رغم توسعه نیافتگی کرمانشاه که یکی از نموده‌های آن نرخ بالای بیکاری است، بررسی عدم تأثیر محرومیت‌ها در شکل‌گیری جریان‌های تجزیه طلب نیز خود نیازمند خوانش و پژوهشی جداگانه است. با این حال مرکز ثقل این پژوهش نقش نخبگان در بازنمایی، تقویت و تداوم عناصر هویت ملی در کرمانشاه است که همین امر زمینه‌های برخورد نکردن خرده هویت‌ها با کلان هویت (ملی) را موجب شده و در ادامه شکل نگرفتن جریان‌های طالب خودمختاری را در کرمانشاه به دنبال داشته است.

### پیشینه پژوهش

مطالعات درباره‌ی موضوعات اقوام، در دو قالب مطالعات نظری و کاربردی در ایران انجام شده است. اما در اکثر این مطالعات، موضوع اقوام به طور کلی بررسی شده و مطالعات موردی درباره‌ی گُردها، نیز محدود به استان کردستان بوده است. کرمانشاه به دلیل مواجه نبودن با ناسیونالیسم قومی و جریان‌های قومی، به طور کلی از پژوهش‌های حوزه قومیت کنار گذاشته شده است. پژوهش‌هایی هم که با موضوع کرمانشاه انجام شده، بیشتر معطوف به میراث فولکلور و باورها و آداب رسوم محلی است.

احمدی (۱۳۸۸) در پژوهش «بنیادهای هویت ملی ایرانی» مفاهیم و نظریه‌های مرتبط با هویت، ملت، ملیت و قومیت بررسی کرده؛ سپس به کاربرد آنها درباره ایران از نگاه پژوهشگران و نظریه پردازان ایرانی پرداخته است (احمدی، ۱۳۸۸). در اثر دیگر احمدی (۱۳۸۳) با عنوان «ایران، هویت، ملیت، قومیت» پژوهش‌های نظری و کاربردی و نیز مجموعه مقالاتی از صاحب نظران و پژوهشگران این حوزه گردآوری شده است. در بخش پژوهش‌های نظری، نویسندگان مقالات به ریشه‌های هویت ایرانی توجه کرده‌اند و منابع هویت ملی ایرانی بررسی شده‌اند. در بخش پژوهش‌های موردی نیز در پژوهش موردی با عنوان روند توسعه در مناطق کردنشین ایران قبل و پس از انقلاب، در کنار استان‌های ایلام، کردستان و آذربایجان غربی، نگاهی هم به روند توسعه در استان کرمانشاه شده است.

قمری (۱۳۸۲) دیدگاه‌های محمود افشار و غلامرضا رشیدپاسمی درباره هویت ملی را بررسی کرده است. به نظر نویسنده اندیشه‌های آنها نقش فراوانی در شکل‌گیری گفتمان وحدت ملی در ایران معاصر داشته است. صدری نیا (۱۳۷۵) هم مؤلفه‌های

هویت ملی در اشعار لاهوتی را بررسی کرده است. ناسیونالیسم؛ نظریه، ایدئولوژی، تاریخ اسمیت (۱۳۸۳) به ایدئولوژی‌ها، پارادایم‌ها و نظریه‌های مسلط در حوزه ناسیونالیسم می‌پردازد. ناسیونالیسم و مدرنیسم دیگر اثر اسمیت (۱۳۹۱) نیز، به بررسی نظریات مدرنیستی پیرامون ملت‌ها و ناسیونالیسم می‌پردازد و با رویکرد انتقادی نظریه‌های مدرنیسم را می‌کاود. این دو کتاب، پایه‌های نظری این پژوهش را فراهم ساخته‌اند.

### سؤال‌های تحقیق

- ۱- چرا در شهر کرمانشاه به‌رغم آن‌که بزرگترین شهر کردنشین ایران محسوب می‌شود، جریان‌های طالب خودمختاری شکل نگرفته است؟
- ۲- عناصر هویت ملی ایرانی چیست؟
- ۳- نخبگان کرمانشاهی چه نقشی در بازکشف و بازتفسیر هویت ملی ایرانی داشته‌اند؟

### چارچوب نظری و مفهومی

#### ۱- نمادپردازی قومی تاریخی

دیرینه یا متأخر و برساخته بودن ملت‌ها، داشتن تبار و ریشه قومی برای ملت‌ها یا ابداعی، تخیلی بودن و ریشه در صنعت چاپ داشتن آنها، هویت ملی و نسبت آن با آگاهی ملی یا احساس ملی در دوران پیشامدرن و مواردی از این دست، مقولاتی هستند که به‌عنوان مسائل اصلی در طرح نظریه‌های ملت و ملی‌گرایی مورد توجه هستند. نمادپردازان قومی تاریخی، برای پاسخ به این ابهامات، ضمن آن‌که ملی‌گرایی و مفاهیم ملت، هویت ملی و ناسیونالیسم را متأخر و مدرن می‌دانند (اسمیت، ۱۳۹۱: ۳۷۰). اسمیت از دل این پارادایم، چارچوب تحلیلی و نظری خود را صورت‌بندی می‌کند. در این چارچوب برای تحلیل هویت ملی در معنای امروزی، بر خاطرات، نمادها و اسطوره‌ها تأکید دارد. اسمیت هویت ملی را بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی تعریف می‌کند که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و بر این اساس هویت افراد با آن الگو و میراث و با عناصر فرهنگی‌اش تشخیص داده می‌شوند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰). اسمیت ایرانیان را در کنار یونانیان، ارمنیان، یهودیان، چینی‌ها و ژاپنی‌ها نمونه‌هایی می‌داند که به‌رغم تغییرات کلان فرهنگی‌شان در طول قرن‌ها، اجزای اصلی هویت‌بخش - نام، زبان، آداب، جامعه‌ی مذهبی و یادآوری سرزمینی - خود را حفظ کرده‌اند (اسمیت، ۱۳۹۱: ۳۶۲). توجه این نوع تحلیل به نقش

اسطوره، خاطرات، ارزش‌ها، سنت‌ها و نمادها است. اسمیت (۱۹۸۱: ۶۶) داشتن اسطوره در نقطه شروع و هم‌چنین آبخور زمانی و مکانی مشترک و یکتا را برای احساس اجتماع قومی ضروری می‌داند.

در صورت‌بندی نظری اسمیت، تکیه بر قوم و اجتماع قومی، متفاوت از برداشت رایج از قوم است. به اعتقاد اسمیت اقوام نه با تبار و نژاد فیزیکی، بلکه با حس تداوم، خاطره‌های مشترک و سرنوشت جمعی، یعنی با رشته‌های خویشاوندی و قرابت فرهنگی نهفته در اسطوره‌ها، خاطرات، نمادها و ارزش‌های محفوظ در یک واحد فرهنگی جمعی به وجود آمده‌اند (اسمیت، ۱۳۹۱: ۳۶۵). مقوله‌ی دیگر در نمادپردازی تاریخی، نماد است. نمادها نماینده‌ی چیز خاصی هستند، اگر پرچم را نمادی از یک کشور خاص تلقی کنیم، معنای آن نمی‌تواند به رابطه پرچم - کشور محدود شود، بلکه پرچم برای هر فردی اهمیت ویژه‌ای دارد، چون به‌عنوان نماد، نیرویی برای تداعی خاطرات یا احساسات خاصی دارد؛ و منشأ نمادها، گذشته است (گیبیرنا، ۱۳۷۸: ۱۳۵) که در ذهنیت ملی یک کشور شکل می‌گیرند. نمادهای ملی در بستری از تاریخ فرهنگی و سیاسی و اجتماعی، شکل گرفته و قوام می‌یابند و از درون نظام فرهنگی هر ملت سر برمی‌آورند. اسمیت معتقد است هویت‌ها و موارث ماقبل مدرن شالوده بسیاری از ملت‌های معاصر را تشکیل می‌دهند. وی برای چنین جوامعی شش صفت اصلی شامل اسم خاص جمعی، اسطوره اجداد مشترک، خاطرات تاریخی مشترک، یک عنصر متمایزکننده فرهنگ عمومی یا بیشتر از یک عنصر، اجتماعی با سرزمین مشخص و احساس همبستگی در مورد بخش‌های مهمی از جمعیت ذکر می‌کند. بیشتر این صفات، محتوای فرهنگی و تاریخی و هم‌چنین عنصر ذهنی نیرومندی دارند.

زمانی که استمرار تاریخی مؤثر توانسته مجموعه‌ای از خاطرات، اسطوره‌ها و آیین‌های مشترک را در ذهن مردم ایجاد کند، لازم است عناصری که موجب شکل‌گیری این هویت شده‌اند، بازکشف و بازتفسیر شوند. اینجاست که اسمیت به نقش نخبگان و روشنفکران در این فرایند بازکشف و بازتفسیر میراث متمایز ملت‌ها می‌پردازد. البته نگاه اسمیت به نقش روشنفکران عمودی و یک‌طرفه نیست. او برخلاف ابزارانگاران و مدرنیست‌ها که نقش روشنفکران در شکل‌گیری ملت‌ها را یک‌طرفه و نوعی مهندسی اجتماعی می‌دانند بر وجود رابطه‌ای دوسویه و تأثیر متقابل بین مردم، نخبگان و روشنفکران تأکید دارد. هرچند او با مدرنیست‌ها هم‌داستان است که ملی‌گرایی، سوبه‌ای ایدئولوژیک و مدرن دارد، اما با قیدی متفاوت از این قرار که این سوبه‌ی ایدئولوژیک

بر بال گذشته‌ها و بازتفسیر نمادهای کهن سوار است نه رقابت منافع سیاسی روشنفکران یا ابداع و تخیل. اسمیت در تبیین نقش نخبگان معتقد است: «روشنفکران و رهبران اجتماعات آرزومند درصدد باز کشف تاریخ اصیل خود و پیوند زدن آن با دوره‌های طلایی در گذشته‌های قومی‌شان هستند تا از این راه، آنها را دوباره زنده و منزلت باشکوهشان را اعاده کنند. آنها این کار را با گزینش و بازتفسیر معانی این گذشته‌ها در درون پارامترهای آن فرهنگ، برای هر نسل انجام می‌دهند؛ عناصر واقعی و اصیل را از غیر اصیل و درونی را از بیرونی جدا می‌کنند، اگرچه در این موارد رابطه آشکارا ایدئولوژیکی است. با وجود این، قدرت بسیج تعداد بیشتری از مردم را دارند و مردم را مملو از حس هدف جمعی نسبت به اجتماع خودشان می‌کنند» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

## ۲- عناصر هویت ملی

میلر، پژوهشگر برجسته ناسیونالیسم، در کتاب ملیت پنج عنصر برای هویت ملی برمی‌شمارد که در کنار هم، ملیت را از دیگر منابع جمعی هویت شخصی متمایز می‌سازد. به اعتقاد میلر یک اجتماع: ۱- به واسطه ی باور مشترک و تعهد متقابل ۲- قدمت تاریخی ۳- منش فعال ۴- وابستگی به یک قلمرو خاص و ۵- متمایز شدن از دیگر اجتماعات به واسطه فرهنگ عمومی خاص (فرهنگ عمومی مشترک)، پدید می‌آید (میلر، ۱۳۸۳: ۳۴). احمدی (۱۳۸۸) نیز پس از بررسی دیدگاه‌های گوناگون نظریه‌پردازان درباره هویت ملی، عناصر بنیادین هویت ملی را در قالب شش عنصر نشان می‌دهد:

- ۱- یک سرزمین تاریخی، یعنی وطن
  - ۲- اسطوره‌های تاریخی و خاطرات تاریخی مشترک
  - ۳- فرهنگ عمومی توده‌های مشترک
  - ۴- نهادهای سیاسی اداره کننده سرزمین موردنظر، یعنی دولت
  - ۵- حقوق و وظایف مشترک برای تمامی اعضا
  - ۶- اقتصاد مشترک و تحرک سرزمینی برای اعضا (احمدی، ۱۳۸۸: ۶۶).
- این عناصر شش‌گانه، دربرگیرنده‌ی تعریفی اند که اسمیت از مفهوم ملت ارائه می‌دهد. هویت ملی، در معنای امروزی آن پدیداری تازه است و هویت ملی امروزی ایرانیان از عصر مشروطیت و سپس دوران پهلوی به این سو شکل گرفته است. با این حال هم چنان که اشرف می‌گوید باید به وجوه تمایز و تشابه میان مفهوم تاریخی «هویت ایرانی» و مفهوم تازه «هویت ملی ایرانی» توجه کرد. به‌زعم اشرف نوعی هویت

جمعی با «تصور ایرانی بودن» در معنای یکپارچه سیاسی، دینی، زبانی و مکانی آن در دوران ساسانیان ساخته و پرداخته شده است:

«مفهوم تاریخی هویت ایرانی، که در دوران ساسانیان ابداع شده بود، در دوران اسلامی با نشیب و فرازهایی پایدار ماند. در عصر صفوی تولدی دیگر یافت و در عصر جدید به صورت «هویت ملی ایرانی» متجلی شد» (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۴۵).

احمدی (۱۳۸۸) کوشیده نظریه اسمیت را در چارچوب هویت تاریخی و فرهنگی ایران به کار بندد. وی عناصر تشکیل دهنده‌ی هویت ایرانی را چهار عنصر سرزمین، تاریخ، میراث سیاسی و میراث فرهنگی ایران می‌داند. تاریخ شامل دو بخش تاریخ اسطوره‌ای و تاریخ واقعی ایران است که در نظام ذخیره‌ی حافظه تاریخی ایرانیان نقش مهمی در شکل‌گیری هویت ملی ایرانی داشته است. میراث سیاسی که در وجه دولت نمایان است و در ایران تداوم داشته و میراث فرهنگی و جوهی چون آثار تاریخی، آداب و رسوم، هنرهای ملی چون خوشنویسی، آیین‌هایی مانند نوروز، زبان فارسی، دین اسلام، مذهب شیعه و... را شامل می‌شود.

### روش تحقیق

این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی و استراتژی مطالعه موردی، به توصیف و تحلیل نقش نخبگان کرمانشاهی در بازنمایی عناصر هویت ملی پرداخته است. تکنیک مورد استفاده مطالعه اسناد و متون است در گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شد و داده‌ها با بررسی کتاب‌ها و مقالات منتشر شده در مجلات معتبر گردآوری شدند. ضمن آن‌که بازدید از تکیه معاون الملک کرمانشاه، با توجه به این‌که آثار تاریخی می‌توانند در حکم اسناد باشند ذیل تکنیک اسناد و متون آورده شده است. هم‌چنین با توجه به این‌که به نمادهایی از عناصر هویت ملی در آثار روشنفکران و نخبگان کرمانشاهی توجه شد، از مبانی نظری هرمنوتیک به‌ویژه رهیافت هرمنوتیکی اسکینر و نظریه کنش‌گفتاری آستین، که رهیافتی برای تفسیر و فهم متون است، بهره گرفتیم.

### یافته‌های تحقیق

به دلیل تفوق دیدگاه‌های هویت ملی جویانه در میان روشنفکران کرمانشاهی، گزینه‌های متعددی - اعم از نخبگان سیاسی و فرهنگی - برای بررسی وجود دارد. نخبگان سیاسی در شکل‌گیری ارزش‌های سیاسی جامعه و نخبگان فرهنگی در شکل دادن به آرا و

افکار فرهنگی نقش بیشتری دارند؛ از این طریق با تکرار و بازتولید این افکار و پذیرش و جامعه‌پذیر شدن افراد، هویت جامعه دگرگون می‌شود (معینی‌علمداری، ۱۳۸۳: ۷۴). در دایره وسیع نخبگان کرمانشاهی امکان طرح و بسط افکار و کنش‌های افرادی در چارچوب هویت ملی مانند میرزا محمدباقر خسروی، یارمحمدخان کرمانشاهی، میرزاعلی‌خان سرتیپ خانه خراب، عبدالکریم غیرت، سیدحسین کزازی، علی‌اشرف درویشیان و میرجلال‌الدین کزازی وجود داشت. اما هفت نفری که در این پژوهش به بررسی آثار و افکارشان پرداخته می‌شود در سه فراز مهم تاریخی مرتبط با هویت ملی ایرانی (شروع بحث‌های هویت‌خواهانه در عصر قاجار، شکل‌گیری پروژه ملت‌سازی در عصر رضاشاه پهلوی، رویدادهای مهم دهه بیست مانند جمهوری مهاباد، فرقه دموکرات آذربایجان و جریان ملی شدن صنعت نفت) زیسته و نقش‌آفرینی کرده و در یکی از حوزه‌های هنر و ادبیات آثار شاخصی که بیانگر روح ایرانی، جلوه‌ها، نمادها و عناصر هویت ملی ایرانی بوده؛ نوشته و منتشر ساخته‌اند.

میرزامحمد رضا کلهر، حسن‌خان معاون‌الملک، غلامرضا رشید یاسمی، ابوالقاسم لاهوتی، علی‌محمد افغانی، رحیم معینی‌کرمانشاهی و کریم سنجابی، هفت نفری هستند که در این پژوهش به نقش و جایگاه آنها پرداخته می‌شود. از این میان تنها کلهر از دایره زمانی شکل‌گیری جدی بحث‌های هویت‌خواهانه اندکی بیرون است. هر چند این اعتقاد نیز وجود دارد که می‌توان، آغاز قرن سیزدهم هـ.ق که طی آن در ایران جنبش تنباکو شکل گرفت؛ تحولی مهم در جهت پیدایش روحیه ملی و اندیشه ایرانی بودن یا ناسیونالیسم ایرانی دانست (کریمی‌مله، ۱۳۹۴: ۱۷۸)، دوره‌ای که مقارن با حیات کلهر است. جدای از این، نقش مهم میرزامحمد رضا کلهر در ترویج خوشنویسی، به‌ویژه تقویت و ترویج خط نستعلیق به‌عنوان خطی ایرانی، آن هم توسط فردی که از دل ایلات و عشایر کرمانشاه برخاسته بود ما را بر آن داشت که کوشش‌های او را در بازنمایی یکی از عناصر میراث فرهنگی هویت ایرانی مورد توجه قرار دهیم.

دوره ۱۲۷۸ تا ۱۳۲۰، اوج ناسیونالیسم در ایران محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۶). این دوران با حیات سه تن از این چهره‌ها مقارن است. معاون‌الملک که در روزگار ناسیونالیست‌های سکولاری چون میرزافتح‌علی آخوندزاده و میرزاآقاخان کرمانی که نافی وجه مذهبی هویت ملی ایرانی بودند با ساخت تکیه معاون بر هر دو وجه ملی و مذهبی هویت ایرانی پای فشرد. رشید یاسمی و لاهوتی نیز در دو جبهه ناسیونالیستی انتهای دهه ۱۲۹۰ و آغاز دهه ۱۳۰۰ به‌صورت ناسیونالیسم دولتی و



ناسیونالیسم مردمی لیبرال (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۹) فعالیت جدی در انتشار اندیشه‌های ناسیونالیستی داشتند. کریم سنجابی نیز از دهه بیست به بعد در شمار نیروهای مؤثر ناسیونالیسم مردمی لیبرال بود. علی محمد افغانی و رحیم معینی کرمانشاهی نیز در دهه‌های چهل و پنجاه آثار متعددی در قالب رمان، ترانه و شعر تولید و منتشر ساختند که بیانگر پیوند آنان با عناصر میراث ادبی هویت ملی ایرانی بود.

عناصر هویت ملی ایرانی شامل تاریخ اسطوره‌ای و واقعی ایران در تکیه معاون‌الملک، آثار تألیفی و ترجمه‌ای رشیدیاسمی، منظومه ده‌جلدی شاهکار اثر معینی کرمانشاهی، آثار لاهوتی و افغانی؛ میراث فرهنگی شامل نمادهای مذهبی تکیه معاون، تقویت و تثبیت هنر ملی ایرانی یعنی خوشنویسی توسط کلهر، ترویج زبان فارسی در قالب شعر و ترانه و رمان توسط لاهوتی، یاسمی، معینی و افغانی، و بالاخره عنصر سرزمینی ایران که در قالب مفهوم وطن در آثار و اشعار لاهوتی و افکار و کنش‌های سنجابی دیده می‌شود، مورد توجه بوده‌اند.

در ادامه به بررسی زندگی، آراء، آثار و افکار این ۷ نفر می‌پردازیم و به تأثیر آنها در نمادسازی عناصر هویت ملی توجه می‌کنیم.

#### ۱- حسن خان معاون‌الملک

حسن خان معاون‌الملک (متوفی ۱۳۲۷هـ.ش) در اواخر دوره قاجار، تکیه‌ای در سه صحن ساخت که اکنون به نام تکیه معاون‌الملک مشهور است. در این تکیه، عناصر هویت ملی ایرانی - شیعی به شکل برجسته‌ای درهم تنیده شده و در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در صحن اول تکیه یا حسینیه تصاویر متعددی از امام حسین (ع)، حضرت ابوالفضل، حضرت علی اکبر، به همراه تصویری از نبرد حضرت علی (ع) با عمر بن عبدود بر کاشی‌ها نقش بسته است. در این صحن و البته در دو صحن دیگر تکیه، به کرات از تصویر الهی پیروزی منقش در نقش برجسته‌های طاق‌بستان استفاده شده است. یکی از این نمونه کاشی‌کاری‌ها، الهه پیروزی را نشان می‌دهد که پرچم‌هایی با جملات یامظلوم کربلا و یاحسین در دست دارند.

صحنه غدیرخم، جنگ خیبر و رزم حضرت علی و مجلس ولایتعهدی امام رضا در کنار ۱۸ تابلو از واقعه عاشورا مانند صحنه‌های رزم حضرت علی اکبر، قاسم، شهادت حضرت ابوالفضل، دفن شهدای واقعه کربلا، بردن امام سجاد و اهل بیت به خرابه‌های شام و مجلس یزید بخش زیادی از فضای کاشی‌کاری‌های صحن دوم یا زینبیه را به خود اختصاص داده است. هویت شیعی یکی از پایه‌های اصلی هویت ایرانی به شمار

می‌آید و در میان نمادهای هویت شیعی، امام حسین(ع) و حادثه کربلا جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. به نظر یک پژوهشگر، تشیع و ایران از هم غیرقابل تفکیک است (عشقی، ۱۳۷۹: ۱۰۵). به این لحاظ معاون‌الملک نماد مذهبی هویت ایرانی یعنی حماسه کربلا را به‌خوبی در تکیه به کار می‌گیرد، اتفاقاً کارکرد تکایا پاسداشت حماسه کربلاست.

در کنار این نمادهای مذهبی و در لابلای تابلوهای هویت شیعی و دینی، تصاویر متعددی از پادشاهان، پهلوانان و شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای ایران روی کاشی‌های تکیه نقش بسته است، که می‌توان به هرمز، کیومرث، خسرو پرویز، بهرام‌گور، هوشنگ، کیکاوس، ایرج، سلم، تور، انوشیروان، یزدگرد، گشتاسب، رستم، شاه‌عباس، کریم‌خان زند و فتحعلی‌شاه اشاره کرد. جدای از پیوند و پیوستگی عناصر هویتی ایرانی در قالب ایرانی - شیعی، دیوارهای صحن عباسیه تابلوی کاملی از خاطره، اسطوره و نمادهای ایرانی در برابر دیدگان مخاطب قرار می‌دهد. در صحن عباسیه، طاق‌نماهای متعددی وجود دارد که جلوه‌های مختلف دینی و ایرانی را به تصویر کشیده است. در سه طاق نما در ضلع شمالی صحن عباسیه سه تابلوی بزرگ کاشی‌کاری شده است که در آن با بهره‌گیری از آثار تاریخی مانند تخت جمشید و بیستون کرمانشاه و آنچه در کتاب‌های تاریخی به دست آمده، تصاویر متعددی از وقایع و شخصیت‌های تاریخی ایران تصویر شده است. داستان حضرت یوسف در پنج تابلو و بارگاه حضرت سلیمان در کنار تصاویری از اماکن مقدسه مذهبی و تصاویری از عالمان و شخصیت‌های دینی و شیعی دیگر تصاویر این صحن را تشکیل می‌دهند.

مهم‌ترین ویژگی معاون‌الملک، ترکیب لایه‌های مختلف هویت ملی ایرانی شامل هویت تاریخی، هویت مذهبی و حتی هویت مدرن است. درحالی‌که بسیاری از روشنفکران و اندیشه‌ورزان هم عصر معاون در ایران، با دگرسازی داخلی یا دگرسازی خارجی تنها یکی از جنبه‌های هویت ملی را برجسته می‌کردند، وی هویت ملی غیردگرساز را در دستور کار خود قرار داد و بر رسانه سخت کاشی، اثر تاریخی و هویت‌ساز ماندگاری را در تاریخ ایران تولید کرد.

## ۲- میرزا محمد رضا کلهر (۱)

یکی از نمادهای برجسته فرهنگ ایرانی، خط فارسی و به‌ویژه نستعلیق به‌عنوان یک هنر ملی است که شعر، عرفان و ادبیات توسط آن بازتاب می‌یابد. نمادها، کارکرد معنابخشی و هویت‌سازی دارند و یکی از نمادهای فرهنگ ایرانی که می‌تواند

منتقل‌کننده‌ی هویت ایرانی باشد، خط است. هنر ملی از مواردی است که نمادپردازان بدان توجه دارند و در بررسی استمرار فرهنگی، مؤلفه هنرملی را به‌عنوان یکی از اجزای هویت ملی در نظر می‌گیرند.

ایرانیان در استفاده از خط و هنر خوشنویسی تا به آنجا اهمیت قائل بوده‌اند که احادیثی نیز از پیامبر و ائمه در این باره روایت کرده‌اند. به‌عنوان مثال در بحارالانوار مجلسی حدیث نبوی «حسن الخط من مفاتیح الرزق» (مجلسی، ۱۳۸۴: ۳۱۸) نقل شده یا این سخن امام علی (ع) روایت شده که حسن خط از کلیدهای روزی است (کاوسی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵)؛ این امر بیانگر پیوستگی مذهبی و ملی خط در نگاه ایرانیان است. از میان تمام خطوطی که کتابت فارسی با آن صورت می‌گیرد دو خط نستعلیق و شکسته نستعلیق نمادهای بارز ایرانی در خود دارند. غلامحسین امیرخانی دلیل به وجود آمدن خط نستعلیق را سازگاری آن با زبان فارسی در شرایط خاص تاریخی و اجتماعی چند سده پیش در ایران می‌داند که هنرمندان ایرانی تلاش کردند تا خط نستعلیق در مقام خط رسمی و ملی ایران پایگاه بلندی کسب کند (امیرخانی، ۱۳۶۸: ۹۹). به‌زعم برخی، با ظهور جریان توجه به هویت اسلامی، ملی و فرهنگی، خوشنویسی به یکی از ابزارهای این تجدید هویت تبدیل شد (آغداشلو، ۱۳۹۳: ۱۳۱). این گفته، بیانی دیگر از دیدگاه نمادپردازان و اسمیت درباره هویت ملی است. هنر خوشنویسی و به‌ویژه نوشتن به نستعلیق، میراث متمایز ملی ایرانیان محسوب می‌شود و نمادی است از هویت ایرانی. اگر زبان فارسی و شاهنامه فردوسی را تنه‌ی هویت ایرانی بدانیم، می‌توان خط و کتابت را، لباس و نگهبان این بخش مهم از هویت ایرانی دانست.

این میراث متمایز ملی ایرانی با کوشش میرزامحمدرضا کلهر شکلی دیگر یافت. امروز شیوه کلهر در نستعلیق از شیوه میرعماد جلو افتاده و تمام گراورهای نستعلیق از روی خط اوست (مستوفی، ۱۳۸۸: ۲۴۰). کلهر گذشته از تأثیری که در هنر خوشنویسی و استعلای خط نستعلیق به‌عنوان هنری ملی و ایرانی داشت، در میان کرمانشاهیان نیز نقش ویژه‌ای در توجه و کشاندن مردم به وادی این هنرملی و خطاطی به سبک نستعلیق ایفا کرد.

اگرچه خط نستعلیق در ایران بیش از شش قرن سابقه دارد، اما این کلهر بود که خط نستعلیق را به حوزه چاپ وارد کرد. به نظر کارشناسان خوشنویسی، ابتکارات کلهر نه تنها جلوهای بصری خط نستعلیق را افزایش داد، بلکه حتی با تحول چاپ از سنگی به افست، بر ماندگاری خود افزود و جریان‌ساز شد. فراگیر شدن الگوهای خوشنویسی

کلهر در کتاب‌های فارسی، خط را به یکی از مؤلفه‌های مهم هویت ملی ایرانی تبدیل کرده است. اگرچه کلهر از روشنفکران مهم کرد است، اما وی را باید پدر خوشنویسی خط زیبای فارسی نستعلیق در ایران معاصر نامید.

### ۳- غلامرضا رشید یاسمی (۲)

رشید یاسمی از روشنفکران ابتدای قرن حاضر بود که اندیشه‌های آنها در شکل‌گیری هویت ملی ایرانی در عصر کنونی نقش داشته است. این کار در حوزه‌های مختلف با نمادسازی عناصر هویت ملی ایرانی مانند تاریخ واقعی و اساطیری ایران و برجسته کردن عناصر باستانی و تاریخی هویت ایرانی صورت گرفت. این همان چیزی است که اسمیت در نمادپردازی تاریخی می‌گوید. یعنی بازکشف و بازتفسیر آنچه میراث متمایز یک ملت را می‌سازد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۱۴). از نظر بوردیو، روشنفکران از مهم‌ترین گروه‌های نمادساز در جوامع مدرن به شمار می‌روند (استوار، ۱۳۹۲: ۶۱) و فضای نمادین جوامع محصول تفکر آنها است. نگاهی به تألیفات و ترجمه‌های رشید یاسمی نشان می‌دهد که او چگونه در تولید نمادهای هویت ملی ایرانی، نقش ایفا کرده است؛ می‌توان به آثار او از جمله به کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، نصایح فردوسی، ادبیات معاصر، و تصحیح اندرزنامه اسدی طوسی و سلامان و آبسال جامی اشاره کرد. در زمینه ترجمه نیز، علی‌رغم ۵۳ سال عمر، عملکردی قابل توجه داشته است که می‌توان به ایران در زمان ساسانیان (آرتور کریستین سن)، تاریخچه نادرشاه (ولادیمیر مینورسکی)، مقام ایران در تاریخ اسلام (مارگو لیوٹ)، تاریخ ادبیات ایران (ادوارد براون) و سه اثر اندرز اوشنرداناک، اندرز آذرباد مهراسپندان و ارداویراف نامه که از زبان پهلوی برگردانده شده، اشاره کرد.

رشید یاسمی از نخستین کسانی بود که ظهور ناسیونالیسم قومی در ایران به‌ویژه در میان بخش‌هایی از کردستان را احساس کرد و کتاب کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، را پیش از تشکیل جمهوری مهاباد تألیف کرد. او کوشید تا ضمن تبارشناسی علمی گُردها، ایرانی بودن آنها را ثابت کند (قمری، ۱۳۸۲: ۱۰۹). این کار از آن رو مهم است که یکی از زمینه‌های تمایلات جدایی طلبانه گردی در ایران، اعتقاد به اصالت جدا برای آنها است. با آن‌که تاریخ دقیق انتشار این کتاب مشخص نیست، اما می‌توان گفت این کتاب قطعاً پس از شورش اسماعیل خان سیمکو - در سال ۱۳۰۱ - و احتمالاً پیش از بحران مهاباد در سال ۲۵-۱۳۲۴ نوشته شده است.

یاسمی در مقدمه این کتاب گفته «مکرر اتفاق افتاده که ایران دستخوش تطاول بیگانگان یا هرج و مرج داخلی شده، در این فواصل امرای کُرد سر به طغیان برداشته‌اند ولی این محدود به حدود معین و برای مقصود و وقت معین بوده، هرگز عصیان آنها نسبت به قوم و نژاد خود نبوده که بتوان آن را دلیل افتراق برشمرد بلعکس اسناد تاریخی ثابت می‌کند که وفاداری طوایف کرد به آنها که در کوهستان زاگرس و ماوراء آن بوده‌اند، چه آنها که در پارس و سایر بلاد ایران مسکن داشته‌اند نسبت به ایران خیلی بیشتر از سایر طوایف ایرانی نژاد بوده است. کردستان را می‌توان میدانی دانست که خون ایرانیان قدیم و جدید در آنجا و برای آنجا ریخته شده است» (یاسمی، بی‌تا: ۷). او معتقد است «کردان از حیث نژاد، زبان و عقاید دینی با سایر ایرانیان تفاوتی ندارند. اگر بر فرض ارکان مزبور ثابت نمی‌شد باز کردان جز ملت ایران می‌گشتند زیرا در اصل عمده ملیت با ایرانیان اشتراک دارند و آن وحدت احساسات، که نتیجه شرکت در سرگذشت تاریخی است» (رشیدیاسمی، بی‌تا: ۱۴۵).

بازنمایی تاریخ ساسانیان که نقشی جدی در شکل‌دهی هویت ایرانی داشته است، توجه به فردوسی که نقش عمیقی در ایجاد خودآگاهی ملی ایرانیان داشته است (ثاقب‌فر، ۱۳۸۳: ۲۴۴) و از جمله رشیدیاسمی در مقدمه کتاب *نصایح فردوسی* ابراز امیدواری می‌کند که این اثر «بیش‌ازپیش زنده‌کننده‌ی ایران [فردوسی] را به شاگردان مدارس معرفی نماید» (رشیدیاسمی، ۱۳۰۶: ۶) در کنار پیوسته دیدن هویت ایرانی با اسلام که در قالب کتاب *مقام ایران در تاریخ اسلام* (مارگولیو، ۱۳۲۱: ۵) جلوه می‌کند، نشان می‌دهد که رشیدیاسمی عناصر و ابعاد گوناگون هویت ملی ایرانی را مدنظر داشته و نمادهای هویت ایرانی را تنها در جلوه‌های باستانی و پیش از اسلام خلاصه نکرده است. جایگاه یاسمی در تقویت هویت ملی ایران وقتی برجسته‌تر می‌شود که وی با روشنفکران کرد در عراق و ترکیه مقایسه شود. درحالی‌که آنان هویت ملی عراق و ترکیه را جدای از هویت کُردهای آن دو کشور تعبیر می‌کردند و نتیجه چنین تلاش‌های فکری، تضعیف فرایند ملت‌سازی در دو کشور همسایه ابران بوده است، یاسمی بر این‌همانی کُردها و ایرانیت تأکید می‌کند، طیف گسترده آثارش این تلاش را نشان می‌دهد.

#### ۴- ابوالقاسم لاهوتی (۳)

در ادبیات سیاسی ایران، ابوالقاسم لاهوتی معمولاً به‌عنوان شاعر مارکسیست و چپ شناخته می‌شود ولی وی در شمار افرادی است که نقش ویژه‌ای در گسترش احساسات

ملی ایفا کرده است (برزین، ۱۳۷۴: ۳۴). و کوشش‌های او در کنار کسانی مانند عارف قزوینی و بهار قرار می‌گیرد (فیروزیان، ۱۳۹۱: ۲۸۰). شعر او ترجمان خواسته‌های میهن‌دوستان و آزادی‌خواهان ایران در روزگار پیش و پس از مشروطه بود. لاهوتی در کنار استفاده از اسطوره‌های ایرانی در شعر و برانگیختن احساسات ملی از این طریق، روزنامه‌نگاری توانا هم بود. وی در سال ۱۲۸۶ مبادرت به انتشار نشریه‌ی بیستون در کرمانشاه کرد که به اعتبار گفته برخی پژوهشگران نخستین نشریه قانونی در تاریخ مطبوعات استان کرمانشاه است (شیریان، ۱۳۹۲: ۶۹). لاهوتی در این نشریه مبلغ گرایش‌های مشروطه‌خواه به‌شمار می‌رفت و با توجه به بالا گرفتن تب ناسیونالیسم در ایران به‌نوعی گرایش‌های وطن‌خواهانه و ملی را نیز نمایندگی می‌کرد. او با توجه به کارکرد رسانه در تأثیر بر هویت‌های اجتماعی، رویکرد خود را هویت ایرانی و تلاش در جهت آزادی و پیشرفت ایران تعریف کرد.

(صدری‌نیا، ۱۳۷۵) به دو وجه مهم اشعار وی توجه کرده که در چارچوب نمادپردازی تاریخی می‌توان آن را نوعی بازتفسیر و کشف مجدد نامید که توسط این شاعر و روزنامه‌نگار کرمانشاهی انجام شد. نخست، وی در اشعار خود مکرر از نمادهای اسطوره‌ای مانند کاوه، رستم، ضحاک و مزدک استفاده می‌کند (صدری‌نیا، ۱۳۷۵: ۲۱۲) مورد دیگر استفاده از جلوه‌های اقلیمی و وطن است، توصیف لاهوتی از چشم‌اندازهای جغرافیایی و اقلیمی و وطن در خلال عواطف میهنی آشکار است (صدری‌نیا، ۱۳۷۵: ۲۱۴). ابوالقاسم لاهوتی علاوه بر استفاده از اسطوره‌های ایرانی در شعر خود، گاه با سرودن ترانه‌هایی چون «ای میهن» که به یکی از مشهورترین سرودها و ترانه‌های ملی و میهنی ایران بدل گردید؛ احساسات ملی در میان ایرانیان به‌ویژه کرمانشاهیان را برانگیخت. از متن این ترانه می‌توان به دو بیت زیر اشاره کرد:

تنیده یاد تو، در تاروپوادم، میهن، ای میهن!

بود لبریز از عشقت، وجودم، میهن، ای میهن!

تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی،

فدای نام تو، بود و نبودم، میهن، ای میهن!

هم‌چنین برای نمونه می‌توان به چندین مورد از اشعار لاهوتی که در آن به مفاهیمی مانند وطن و ایران پرداخته یا آن‌که واجد عناصر دیگری از هویت ملی است؛ اشاره کرد، مانند:

جان دریغ از ره ایران نکند لاهوتی

او از اول سرخود در سر این خانه فروخت  
(لاهوته، بیتا: ۹۸)

یا شعر «به خلق‌های ایران» که در سال ۱۳۲۸ یا ۲۹ سروده شده، بعد از دو واقعه‌ی مهم جمهوری مهاباد و فرقه دموکرات آذربایجان است که در آن از اقوام ایران می‌خواهد که حول محور ایران یا ناموس وطن جمع شوند:

ای شیران ترک، ای گردان‌گرد	ای مردان فارس، از بزرگ و خرد
دوستانه به یکدیگر دست دهید	اردوی ستم را شکست دهید!
نفاق شما نفع دشمن است	اتفاقشان فتح میهن است

لاهوتهی مانند بسیاری از روشنفکران ایرانی در ابتدا فکر می‌کرد، می‌تواند بین مارکسیسم و هویت ایرانی پیوند برقرار کند. حتی چند دهه پس از تبعید لاهوتهی به شوروی، بخش عمده‌ی روشنفکران ایرانی ورود یا خروجی به مارکسیسم داشتند. اما جزمیت اندیشه مارکسیستی به‌ویژه از نوع لنینیستی و استالینیستی آن موجب شد، همه‌ی روشنفکران ایرانی به اجبار هویت مارکسیستی را برجسته کنند. با این وصف لاهوتهی تا پایان عمر ایرانی ماند و بر هویت ایرانی تأکید می‌کرد. وی اسطوره‌های ملی ایران را ولو با تفسیر مارکسیستی زنده می‌کرد.

#### ۵- رحیم معینی کرمانشاهی (۴)

استمرار فرهنگی و تداوم ذهنیت تاریخی ایرانیان محصول تلاش‌های طیف‌های گوناگونی از نخبگان ایرانی بوده است که در حوزه‌ها و ساحت‌های مختلف اندیشه و ادب و تاریخ، هویت تاریخی و فرهنگی ایران را تداوم داده و موجب شده‌اند که آگاهی ملی ایرانیان و ایجاد حس ملی، پیش از عصر مدرن و برآمدن هویت ملی و ملت‌های مدرن، در ذهن و فکر ایرانیان رواج یافته و منتشر شود. در عین حال ادبیات و شعر فارسی با فرهنگ ملی و خرده‌فرهنگ‌های اقوام عجین شده و در تداوم هویت و همبستگی ملی نقش برجسته و جدی‌ای ایفا کرده است (سیدامامی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). رحیم معینی کرمانشاهی جدای از سابقه فعالیت روزنامه‌نگاری در کرمانشاه و عضویت در جبهه مطبوعات ملی در جریان ملی کردن صنعت نفت (شیریان، ۱۳۹۲: ۲۳۳)، در زمره شاعران و ترانه‌سرایان مشهور ایرانی بود. با توجه به تأثیر طولانی و دیرپای ترانه بر ذهن مردم، و نقش آن در تقویت زبان فارسی این بعد از آثار و اقدامات وی قابل توجه و درخور بررسی است. ترانه‌های وی توسط خوانندگان ایرانی همچون بنان، و... در قالب آواز و تصنیف بارها اجرا شده است. معینی کرمانشاهی علاوه بر دفتر اشعار و نیز ترانه‌هایی که در حافظه موسیقایی مردم ایران جایی دارد؛ در چند دهه‌ی پایانی عمر

خود کوشید، متأثر از شاهنامه، تاریخ ایران را پس از ساسانیان به نظم دریاورد. او به نوعی می‌خواست راه فردوسی را در پاسداشت فرهنگ ایرانی و احیای هویت ملی از طریق نگاهی به گذشته ادامه دهد (اسپرهم، سلطانی، ۱۳۹۳: ۳۷ و ۳۸). معینی نام این تاریخ منظوم را شاهکار گذاشت که مشتمل بر ۱۰ جلد از فروپاشی ساسانیان تا سلطنت ناصرالدین شاه است.

توجه به تاریخ ایران و به نظم در آوردن آن، مبتنی بر تأثیری است که تاریخ در حافظه جمعی ایرانیان بر جای گذاشته است. ایران در زمره ملت‌هایی است که ذخیره‌ی خاطره تاریخی بالایی دارند. به‌طور کلی نظام خاطره و تاریخ بعد از سرزمین و همراه با زبان مهم‌ترین عناصر مشترک ملت را تشکیل می‌دهند (معینی علمداری، ۱۳۸۳: ۳۹). معینی کرمانشاهی نیز به‌رغم پیوند با ادبیات و شعر، مانند رشیدیاسمی به نقش ویژه تاریخ در شکل‌گیری هویت ملی باور داشت و معتقد بود با استفاده از کارکرد نمادین حماسه، می‌توان نمادهایی چون تاریخ و فرهنگ مشترک ایرانیان را برای بازسازی هویت ایرانی به کار گرفت. به تعبیر خود وی در پیشگفتار شاهکار که در تمام مجلدات آن تکرار شده:

به کشت زمان‌ها شدم خوشه‌چین  
نگه را کشم تا دل بی‌کران

به عشق تو ای خاک ایران زمین  
که با باد و باران شوم هم‌زبان

#### ۶- علی محمد افغانی (۵)

علی محمد افغانی، نویسنده شوهر آهونانم یکی از مهم‌ترین رمان‌های کلاسیک ایرانی است که در سال ۱۳۴۰ و از سوی انجمن کتاب ایران به‌عنوان رمان برگزیده انتخاب شد (کریمی مهر، ۱۳۸۸: ۳۶۳). از میان رمان‌های بسیاری که افغانی نگاشته، سیر اتفاقات و تحولات دو رمان شوهر آهونانم و شادکامان دره قره‌سو، در شهر کرمانشاه می‌گذرد. در حوزه ناسیونالیسم و جنبش‌های ملی به‌زعم اسمیت، ناسیونالیسم با آثار و انجمن‌های ادبی آغاز می‌شود. این امر نشان می‌دهد که ادبیات و رمان می‌تواند واجد ظرفیت در زمینه تقویت و یا تضعیف هویت ملی باشد. در آثار افغانی، جلوه‌های متنوعی از هویت ایرانی وجود دارد، به نحوی که در نوشتن رمان‌هایش علاوه بر امثال و کنایه‌های فارسی، به اشاره‌های مذهبی و اسطوره‌ای و تاریخی ایران نیز توجه می‌کند. براساس فهرست اعلام ضرب‌المثل‌هایی که در پایان چاپ جدید شوهر آهونانم افغانی (۱۳۹۶) آمده است، بیش از ۱۲۰ ضرب‌المثل فارسی و ایرانی در آن به کار رفته است؛



این در حالی است که در جای جای این اثر می‌توان نشانه‌های برجسته‌ای از تاریخ اساطیری و واقعی ایران یافت.

برخی معتقد بودند افغانی بزرگترین داستان‌پرداز زبان فارسی است و به جز هدایت، دیگر کسی مانند او مثال‌ها و کنایه‌های فارسی را به کار نبرده زیرا شوهر آهونخانم خزانه‌ای از تمثیل‌ها، لطیفه‌ها، اشاره‌های مذهبی، اساطیری و تاریخی است (ندوشن، ۱۳۴۰: ۵۲۵). جدای از بهره‌گیری از نماد زبان فارسی، افغانی در این رمان، نقبی به بخشی از تاریخ اجتماعی و سیاسی مردم ایران مانند جنبش مشروطه و اشغال ایران توسط قوای انگلیس می‌زند و خاطرات و مقاطع حساس تاریخی ایران را در کنار عناصر ذهنی، برای ورود به دنیای هویت ملی ایرانی به کار می‌گیرد.

#### ۷- کریم سنجابی (۶)

نمادهای ملی را همانند جنبش‌های ملی نمی‌توان از ایدئولوژی ناسیونالیسم جدا کرد. ایدئولوژی ناسیونالیسم هم برای هدایت نمادها و هم جنبش‌ها به کار می‌رود (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۹). نمادها سلاحی مؤثر و کارآمد در مبارزات قدرت محسوب می‌شوند و با اقدامات یا چیزهای واقعی یا تخیلی که با احساس انسان‌ها سروکار دارد و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتباط دارند (کریمی، ۱۳۹۰: ۱۸۹). کریم سنجابی به‌عنوان رهبر جبهه ملی، گرایش‌های ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه آشکاری داشت. این گرایش در قالب نمادهایی چون رجوع به تاریخ گذشته، غیریت و تمایزسازی میان ملت ایران و انگلستان و برانگیختن احساسات و شور ملی در میان ایرانیان نمود داشت. به‌عنوان نمونه او در ابتدای جنگ تحمیلی اقدام به تشکیل بسیج عشایر غرب کشور کرد. در خاطرات سنجابی آمده که او با جمع کردن ۱۵۰ نفر از سران طوایف و عشایر مختلف در منزلش و با شرحی حماسی از جنگ ایرانیان با روس‌ها، عثمانی، انگلیس‌ها و پیش کشیدن جنگ‌های زمان نادر و اساطیر ملی ایران موفق به تهییج و بسیج ۲۰ هزار نفری عشایر شده است (سنجابی، ۱۳۶۸: ۳۴۱).

وی از ابتدای فعالیت سیاسی نیز اندیشه وحدت ملی ایران را در سر داشت، به طوری که در سال ۱۳۲۱، یعنی چند سال پیش از بروز بحران فرقه دموکرات و جمهوری مهاباد به کرمانشاه می‌رود و جمعیتی از کرمانشاهی‌های مقیم تهران با هدف خدمت به اصلاح و آبادی شهر و استان کرمانشاه ایجاد می‌کند که ضمن خدمت به مملکت و حفظ وحدت ملی ایران با آنهایی که بخواهند در نواحی کردنشین ایران

نغمه‌های مخالف وحدت ملی به وجود بیاورند معارضه کنند (سنجایی، ۱۳۶۸: ۶۴). وی در همان اوان زمزمه‌های جدایی طلبانه فرقه دموکرات آذربایجان، به دیدار پیشه‌وری می‌رود و از او می‌خواهد که اگر نگاهی به آزادی و دموکراسی دارد، چرا این را برای ایران نمی‌خواهد. از الهیار صالح نقل شده وقتی با هیئت اعزامی فرقه دموکرات آذربایجان مذاکره داشته‌اند سنجایی قرآنی از جیب درمی‌آورد و آنان را سوگند می‌دهد که درصدد خیانت به مملکت نباشند (مشیر، ۱۳۶۴: ۶۱).

در جریان شورش‌ها و تحریکات سال‌های نخست انقلاب اسلامی، در کردستان نیز سنجایی در برابر حزب دموکرات کردستان موضعگیری کرد و از جمله گفت‌گورها از هزاران سال پیش از عناصر تشکیل‌دهنده ایران بوده و هیچ‌وقت تاریخ و فرهنگ مجزایی از آن نداشته است. هیچ قوم و اکثریت ایرانی هیچ‌گاه اقلیت‌گرد را مورد ستم و استثمار قومی قرار نداده است. اکنون شهر کرمانشاه با قریب به چهارصد هزار جمعیت بزرگترین شهر کردنشین در تمام خاورمیانه است. آیا تاکنون کسی آوای خودمختاری طلبی از مردم آن شهر شنیده است؟ (سنجایی، ۱۳۶۸: ۴۱۹).

### نتیجه‌گیری

پژوهش با این دغدغه انجام شد که چرا کرمانشاه، در میان‌گورها و در میانه ظهور و بروز ناسیونالیسم و جنبش‌های ناسیونالیستی قومی، به‌جای هویت قومی‌گردی، به هویت ملی ایرانی تمایل و گرایش دارد. نخستین پاسخ، مسأله مذهب است. اکثریت جمعیت استان کرمانشاه و به‌طور خاص شهر کرمانشاه را گوردهای شیعه‌مذهب تشکیل می‌دهند. واقعیت نیز این است که مذهب به‌عنوان متغیری مهم، تأثیر زیادی در جهت‌گیری‌های هویتی هر فردی دارد. از این لحاظ نیز به دلیل وجود ماهیت شیعی در هویت ایرانی، جلوه‌های هویت ملی ایرانی در گوردهای شیعه‌مذهب بیشتر است. اما ماهیت چندعاملی پدیده‌های اجتماعی باعث شد پژوهش در این سطح تحلیل متوقف نشود.

در بررسی نظریه‌های ناسیونالیسم، نظریه بسیج قومی، که به ابعاد سیاسی شدن موضوع قومیت می‌پردازد، تحلیلی به نسبت مناسب از زمینه‌های شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی به دست می‌دهد. نخبگان قومی برای کسب و مشارکت در قدرت و دست یافتن به منابع، تمایل دارند که با طرح مطالبات قومی و از طریق ایجاد تعارض به منافع خود دست یابند. در واقع روشنفکران و نخبگان قومی از عوامل مهم و تأثیرگذار در ایجاد جنبش‌ها و هویت‌های قومی هستند. این گروه به‌عنوان طلایه‌داران حرکت‌های

قومی به گونه‌های متفاوتی اعم از فرهنگی (با احیا و تدوین پیشینه قومی)، سیاسی (با بسیج و ایجاد حرکت‌های قومی) و... در هویت‌سازی نقش دارند. به این دلیل بررسی نحوه‌ی نگرش روشنفکران از اهمیت بالایی برخوردار است.

لذا توجه این پژوهش معطوف به نخبگان و روشنفکران کرمانشاهی شد؛ اما برخلاف تصور، نخبگان قومی در اینجا یعنی کرمانشاه، نه تنها طلایه‌دار حرکت‌های قومی نشده، بلکه تمام هم و کوشش خود را مصروف و معطوف به عناصر گوناگون هویت ملی کرده‌اند. در مجموع نخبگان کرمانشاهی به مدد جلوه‌های هویت ایرانی آمده و با بازکشف و بازتفسیر آنها، ضمن آن‌که معیار هویتی را از سطح قومی به سطح ملی ارتقا دادند، مجال و زمینه‌ای هم برای سر برآوردن هویت قومی سیاسی نیز فراهم نکردند. بر همین اساس با تکیه بر نمادپردازی تاریخی به بررسی موضوع پرداختیم. به‌زعم اسمیت وجود آگاهی ملی، با تکیه بر عناصری تاریخی و ذهنی، زمینه‌ی لازم برای برساختن مفهوم هویت ملی در دوران مدرن و شکل‌گیری ملت‌ها را فراهم ساخته است. عناصر ذهنی که به‌مثابه ملاط، سازه هویت ملی را استوار می‌سازند شامل اسطوره‌ها، نمادها، خاطرات تاریخی مشترک و مانند آن هستند. البته استمرار تاریخی و تداوم فرهنگی این الگوها، ارزش‌ها و باورها مؤلفه‌ای تعیین‌کننده است که در مجموع به ساختن هویت ملی منجر می‌شود و این امر در سایه کوشش نخبگان و روشنفکران محقق می‌شود. آنها هویت ملی را که بازکشف و بازتفسیر الگوی اسطوره‌ها، خاطرات و نمادها هستند با آثار، اقدامات و اعمال و افکار خود نمادسازی می‌کنند. در این پژوهش نیز بررسی موردی هفت تن از نخبگان کرمانشاهی که هرکدام هم خاستگاه ایلی داشتند نشان داد که اقدامات و آثار آنها در جهت بازکشف و بازتفسیر الگوهای مختلفی از اسطوره‌ها، خاطرات، نماد و عناصر فرهنگی و هنری ایران بود که در مجموع اجزای مختلف هویت ملی ایرانی را شکل می‌دهند.

نخبگان کرمانشاهی هفتگانه‌ای که در این پژوهش بررسی شدند، هر یک، وجه خاص و نمادی از عناصر هویت ملی را برجسته کرده که در پیوند با یکدیگر منظومه با مسمایی از هویت ملی ایرانی را تشکیل می‌دهند. در حالی که معاون‌الملک بر رسانه سخت کاشی، مؤلفه‌های به ظاهر ناهم‌ساز ملی و مذهبی را در کنار هم آراسته کرده است، لاهوتی، معینی و افغانی درون مایه فکری مردم کرمانشاه را از ورای اشعار و متل‌های کُردی و رمان‌های ماندگار با هویت ملی پیوند زده‌اند. یاسمی با تاریخ‌نگاری هویت کُردی و ایرانی را یکسان تعبیر کرد و کلهر خط ملی فارسی را بر زمینه‌ی

کارهای پیشینان استوار ساخت. سنجابی در عمل در حساس‌ترین لحظات تاریخ ایران، هویت ملی را در کرمانشاه به نمایش گذاشت. این نخبگان کرمانشاهی با برجسته کردن نمادهای ملی در یک گستره زمانی نسبتاً وسیع زمانی، هویت ملی ایرانی را در ایران بازتولید کرده‌اند و برخی از آثار آنان همواره عاملی برای زنده ماندن هویت ملی ایرانی خواهد ماند.

### یادداشت‌ها

۱- کلهر جز به هنر به هیچ چیز عشق و علاقه نداشت (آشتیانی، ۱۳۷۵: ۱۷۴). به‌طور کلی دیدگاه‌های نمادپردازان قومی نیز این است که توجه به هنر ملی یکی از جلوه‌های شکل‌گیری ناسیونالیسم است. برای اطلاع بیشتر: مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد یک، تهران: زوار، صص ۲۴۵-۲۳۷.

۲- رشیدیاسمی هم‌چون فروغی و داور در شمار روشنفکرانی بودند که در جریان شکل‌گیری دولت مطلقه مدرن توسط رضاشاه، هسته‌ی اصلی پروژه ملت‌سازی را شکل دادند. او را براساس دسته‌بندی احمدی (۱۳۸۸) می‌توان در شمار ناسیونالیست‌های دولتی دو دهه نخست ۱۳۰۰ قلمداد کرد.

۳- لاهوتی جدای از جنبه مبارزاتی و آزادی‌خواهانه، گرایش‌های کمونیستی داشت و نیمه دوم عمر خود را نیز در شوروی گذراند. بخشی از اشعاری که در دوران حضور در شوروی سروده شده، بار معنایی کمونیستی از مفهوم وطن دارد.

۴- معنی کرمانشاهی را با توجه به گرایشی که به مبارزات ملی کردن صنعت نفت و هواداری مصدق داشت می‌توان در شمار ناسیونالیست‌های سکولار مدرن قرار داد.

۵- افغانی مدتی عضو سازمان افسران حزب توده بود و به همین دلیل به چهار سال زندان محکوم شد. با این حال رگه‌های گرایش مارکسیستی در آثار وی نسبت به دیگر نویسندگان کرمانشاهی - مانند علی‌اشرف درویشیان یا منصور یاقوتی - بسیار کم است. به همین دلیل، در آثار او به مفاهیمی چون خلق به جای ملت بر نمی‌خوریم. از دیگر آثار وی می‌توان به شادکامان دره قره‌سو، دکتر بکتاش و شلغم میوه بهشته اشاره کرد.

۶- سنجابی در ابتدای دهه‌ی بیست در تشکیل حزب میهن شرکت جست و در سال ۱۳۲۴ با ادغام این حزب در حزب ایران، به‌عنوان یکی از رهبران حزب ایران فعالیت سیاسی خود را پی گرفت، عضو مؤثر جبهه ملی در دوران ملی شدن صنعت نفت بود و در دهه‌ی پنجاه به رهبری جبهه ملی انتخاب شد. با در نظر گرفتن سه جنبه هویت ملی ایرانی - ملی، مذهبی و مدرن - گرایش سنجابی ملی‌گرایانه با تأکید بر جنبه‌های باستانی تاریخ ایران (ملی) و توجه بر بعد مدرن هویت ایرانی مانند آزادی و دموکراسی بود.

**منابع**

- آجودانی، ماشالله (۱۳۸۷)؛ *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
- آغداشلو، آیدین (۱۳۹۳)؛ *دوره معاصر، در خوشنویسی*، مجموعه کتابخانه دانشنامه جهان اسلام (۴۱)، تهران: کتاب مرجع.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳)؛ *ایران: هویت، ملیت، قومیت* (مجموعه مقالات)، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- (۱۳۸۸)؛ *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- (۱۳۸۹)؛ *قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت*، تهران: نی.
- اسپهرم، داوود؛ سلطانی، امید (۱۳۹۳)؛ «بررسی بازتاب شاهنامه فردوسی در شاهکار رحیم معینی کرمانشاهی براساس نظریه ترائیت»، *فصلنامه متن پژوهی ادبی*، س ۱۸، ش ۶۲، صص ۴۰-۷.
- استوار، مجید (۱۳۹۲)؛ *انقلاب اسلامی و نبرد نمادها*، تهران: نگاه معاصر.
- اسلامی‌ندوشن، محمدعلی (۱۳۴۰)؛ «درباره شوهر آهوخانم»، *مجله یغما*، س ۳۱، ش ۱۶۳، صص ۵۲۵-۵۲۶.
- اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳)؛ *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصور انصاری، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- (۱۳۹۱)؛ *ناسیونالیسم و مدرنیسم*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: ثالث.
- افغانی، علی محمد (۱۳۹۶)؛ *شوهر آهوخانم*، تهران: نگاه.
- امیرخانی، غلامحسین (۱۳۶۸)؛ «در شأن محمدرضاکلههر: آنجا که خامه شکر گفتار بشکند»، در *یادنامه محمدرضا کلههر*، تهران: انجمن خوشنویسان ایران.
- برزین، سعید (۱۳۷۴)؛ *زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان*، تهران: مرکز.
- ثاقب‌فر، مرتضی (۱۳۸۳)؛ *ایران باستان و هویت ایرانی*، در *ایران: هویت، ملیت، قومیت*، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- رشیدیاسمی، غلامرضا (۱۳۰۶)؛ *نصایح فردوسی*، تهران: مؤسسه خاور.
- (بی تا)؛ *کرد و پیوستگی تاریخی و نژادی او*، تهران: مجمع ناشر کتاب.
- سنجایی، کریم (۱۳۶۸)؛ *امیدها و ناامیدی‌ها: خاطرات سیاسی*، لندن: جبهه ملیون ایران.
- سیدامامی، کاوس (۱۳۸۳)؛ *نقش زبان و ادبیات فارسی در شکل‌گیری هویت ملی*، در داود میرمحمدی (به اهتمام): *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- شیریان، محمدحسین (۱۳۹۲)؛ *تاریخ مطبوعات استان کرمانشاه*، اداره کل فرهنگ و ارشاداسلامی استان کرمانشاه.
- صدری‌نیا، باقر (۱۳۷۵)؛ *مفهوم ملیت در شعر ابوالقاسم لاهوتی، ایران‌شناخت (نامه انجمن ایران‌شناسان کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز)*، ش ۲، صص ۲۱۷-۱۸۵.
- عشقی، لیلی (۱۳۷۹)؛ *زمانی غیرزمان‌ها (امام، شیعه و ایران)*، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- فیروزیان، مهدی (۱۳۹۱)؛ «ترنم و ترانه: بررسی ترانه‌های میهنی ایران‌زمین»، *فصلنامه بخارا*، س ۱۵، ش ۸۶، صص ۲۷۸-۲۸۶.
- قمری، داریوش (۱۳۸۲)؛ *بررسی مقایسه‌ای هویت ملی از دیدگاه محمود افشار و رشیدیاسمی*، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۴، ش ۱۵، صص ۱۱۹-۱۰۱.

کاوسی و دیگران (۱۳۹۳): *خوشنویسی*، مجموعه کتابخانه دانشنامه جهان اسلام (۴۱)، تهران: کتاب مرجع.  
 کریستن سن، آرتور (۱۳۸۵): *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه غلامرضا رشیدداسمی، تهران: صدای معاصر.  
 کریمی مله، علی (۱۳۹۰): *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی*، تهران: سمت.  
 کریمی مهر، سحر (۱۳۸۸): گفت‌وگو با علی محمد افغانی، *فصلنامه بخارا*، س ۱۲، ش ۷۱، صص ۳۶۹-۳۶۲.  
 گیبیرنا، منتسرات (۱۳۷۸): *مکاتب ناسیونالیسم: ناسیونالیسم - دولت - ملت در قرن بیستم*، ترجمه امیرمسعود اجتهادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.  
 لاهوتی، ابوالقاسم (۱۳۲۰): *دیوان اشعار لاهوتی*، تهران: نوشین.  
 مارگولیو، داویدساموئل (۱۳۲۱): *مقام ایران در تاریخ اسلام*، ترجمه غلامرضا رشیدداسمی، تهران: مجمع ناشر کتاب.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۴): *بحارالانوار*، ترجمه محمدباقر بهبودی، ج ۷۳، تهران: اسلامیه.  
 مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸): *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، ج ۱، تهران: زوار.  
 مشیر، مرتضی (۱۳۶۴): *خاطرات الهیار صالح*، تهران: وحیدنیا.  
 معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳): *هویت، تاریخ و روایت در ایران: در ایران: هویت، ملیت، قومیت*، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.  
 معینی کرمانشاهی، رحیم (۱۳۷۸): *شاهکار (تاریخ منظوم ایران)*، تهران: سنایی.  
 میرمحمدی، داود (۱۳۸۳): *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی مرکز آمار ایران، جمعیت کشور براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ به تفکیک استان در:

<https://www.amar.org.ir/Portals/0/census/1395/results/tables/jamiat/kolli/1-koli-jamiat.xls>  
 <دسترسی: ۱۳۹۷/۳/۲۰>

مرکز آمار ایران، جمعیت کشور به تفکیک استان، شهرستان براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ در:  
[https://www.amar.org.ir/portals/0/census/1395/results/Census95\\_Khanevar\\_Jameiyat.xlsx](https://www.amar.org.ir/portals/0/census/1395/results/Census95_Khanevar_Jameiyat.xlsx) >  
 <دسترسی: ۱۳۹۷/۳/۲۰>

Smith, Anthony. D. (1981); *The Ethnic Revival in the Modern World*, Cambridge: Cambridge University press.

Smith, Anthony. D. (1991); *National Identity*, London: penguin.

Smith, Anthony D. (1999); *Myths and Memories of the Nation*, New York: Oxford University press.